

تجزیه و تحلیل بانکها

دکتر علی رحمانی

محمد آزاد

مقدمه

تجزیه و تحلیل بانکها با مقاصد گوناگون مانند ارزشیابی سهام، ارزیابی عملکرد، کارایی و ریسک انجام می‌شود. در این نوشتار نخست برخی ویژگی‌های بانک موفق بررسی می‌شود. سپس اهداف بانک مطرح و معیارهای عملکردی متداول شامل بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)، بازده داراییها (ROA) و اجزای تشکیل دهنده آنها تحلیل شده است. در ادامه تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر و نرخ سر به سر بازدهی داراییها و نیز عوامل ریسک ارائه گردیده است.

ویژگی های بانک موفق

بهینه‌گزینی (Benchmarking) یکی از روش‌های مرسوم جهت تعیین اهداف و نیز ارزیابی برنامه‌ها و عملکرد می‌باشد. برخی از مهمترین ویژگی‌های یک بانک موفق در زیر ارائه شده است. مطابق تحقیقات انجام شده^۱ عوامل اصلی موثر بر موفقیت و سودآوری بانک‌ها به شرح زیر است:

الف- اندازه بانک (Size): اندازه یکی از عوامل سودآوری است. به نظر می‌رسد در صورت وجود بستر مناسب برای رشد، هر چقدر بانک بزرگ‌تر باشد و از اهرم مالی بیشتر استفاده کند، بازدهی سهامداران (ROE) افزایش می‌یابد. البته این امکان وجود دارد که بانکهای کوچک به دلیل هزینه‌های عملیاتی کمتر بازده دارایی (ROA) بالاتری داشته باشند.

ب- کنترل هزینه‌ها (Cost control): این عامل یکی از مهمترین دلایل تمایز بانکهای با عملکرد خوب می‌باشد. مدیران این بانکها هزینه‌های عملیاتی را بهتر مدیریت می‌کنند.

ج- ساختار سپرده‌ها (Deposit structure): بانکهایی که سودآوری بالایی دارند، سپرده‌های دیداری بیشتری نسبت به سایر بانکها جذب کرده‌اند. ساختار سپرده‌ها تاثیر قابل توجهی بر عملکرد دارد. حجم زیادی از سپرده‌های این بانکها سپرده‌های محوری (Core Deposit) است که معمولاً برداشت قابل توجهی از آنها غیر محتمل است. بخش دیگر، سپرده‌های افراد و موسسات کوچک است که ممکن است نسبت به حسابهای سپرده با مبلغ بالا، وفادارتر باشند.

۱. Peter S. Rose, ۲۰۰۲, Commercial Bank Management, USA: Mc Grow Hill, pp. ۱۶۶-۱۶۷

۲. این ویژگی‌ها، یافته‌های محیط اقتصادی متفاوتی است، لذا در عین حالی که بومی سازی آن ضرورت دارد، به نظر نمی‌رسد تفاوتها قابل ملاحظه باشد.

د- بهره‌وری کارکنان (**Employee productivity**): بانکهای موفق معمولاً سرانه‌های دارایی و سود خالص بالاتری دارند. یکی از سیاستهای موفق در این رابطه داشتن سیستم انگیزشی مناسب و کارآمی باشد تا کارکنان با بهره‌وری بالاتر حقوق و مزایای بیشتری دریافت کنند. وجود سیستمی مناسب با قابلیت اندازه‌گیری متغیرهای کلیدی موثر در بهره‌وری به نحوی که قادر باشد تفاوت‌های معناداری ایجاد نماید، ابزار اصلی اجرای این خط‌مشی می‌باشد.

ه- اهرم مالی (**Financial leverage**): استفاده از اهرم مالی (کاربرد بهینه منابع بدهی جهت تامین مالی در مقابل اتکاء زیاد به سرمایه) می‌تواند یکی از محرک‌های اصلی سودآوری باشد. سپرده‌ها و سایر ابزارهای بدهی کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌تواند موجب افزایش سودآوری شود.

و- توسعه درآمدهای کارمزد (**Fee growth**): یک عنصر کلیدی استراتژی‌های بانکی برای افزایش سودآوری در سال‌های اخیر، در محیط کشورهای توسعه‌یافته، گسترش درآمدهای کارمزدی بوده است. مقررات زدایی از صنعت بانکداری می‌تواند موجب وضع کارمزد به خدماتی گردد که قبلاً رایگان ارائه می‌شد. تناسب منطقی بین کارمزد و خدمات ارائه شده در میزان توفیق این سیاست یک عامل تعیین‌کننده است.

ز- رشد (**Growth**): رشد دارایی‌ها، سپرده‌ها و وام‌های بانکهای موفق بیش از متوسط صنعت است که منعکس‌کننده مدیریت جسورانه (**Aggressive management**) یا مقبولیت بیشتر خدمات، نزد مشتری است. به‌رحال، رشد نباید جایگزین سود شود. اگر رشد و توسعه مبتنی بر مطالعات عمیق و بررسی کارشناسی و به‌بیانی دیگر کنترل شده نباشد، باعث خواهد شد هزینه‌های عملیاتی بیش از درآمدها افزایش یابد. رشد مطلوب رشدی است که منجر به ایجاد ارزش افزوده اقتصادی شود.

اهداف بانک

بدیهی است هدف اصلی یک بانک و یا هر واحد اقتصادی دیگر علاوه بر ایفای مسئولیت‌های اجتماعی، افزایش ارزش آن است. در راستای دستیابی به هدف اصلی بانک، نیل به اهداف جانبی زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

- افزایش کارایی و بهره‌وری

- افزایش سهم بازار

- افزایش سودآوری

- رشد و توسعه

تصمیم های بنیادی مرتبط با اهداف

نیل به اهداف بانک مستلزم اتخاذ تصمیمات بنیادی و پایش مستمر محیط درونی و بیرونی است. محورهای اصلی تصمیم گیری (توجه مستمر و سیستماتیک) به شرح زیر است:

الف- تصمیمات ساختار سرمایه

- تعیین ترکیب بهینه منابع (سرمایه، سپرده ها، اوراق مشارکت، وام بین بانکی، وام خارجی) با توجه به هزینه، منابع و تاثیر ریسک.

- خط مشی تقسیم سود

ب- تصمیمات ساختار دارایی ها

- خط مشی تخصیص دارایی ها و تعیین پرتفوی مطلوب

- قیمت گذاری محصولات و خدمات

- تعیین ترکیب پرتفوی تسهیلات

- مدیریت مالیاتی معاملات بانکی

ج- تصمیمات توسعه فعالیت

- تعیین سهم بازار و چگونگی دستیابی به آن

- کانال های توزیع (شعب، POS و ATM)

د- تصمیمات مدیریت هزینه

- تعیین فرآیندها بر مبنای نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل ارزش فرآیندها

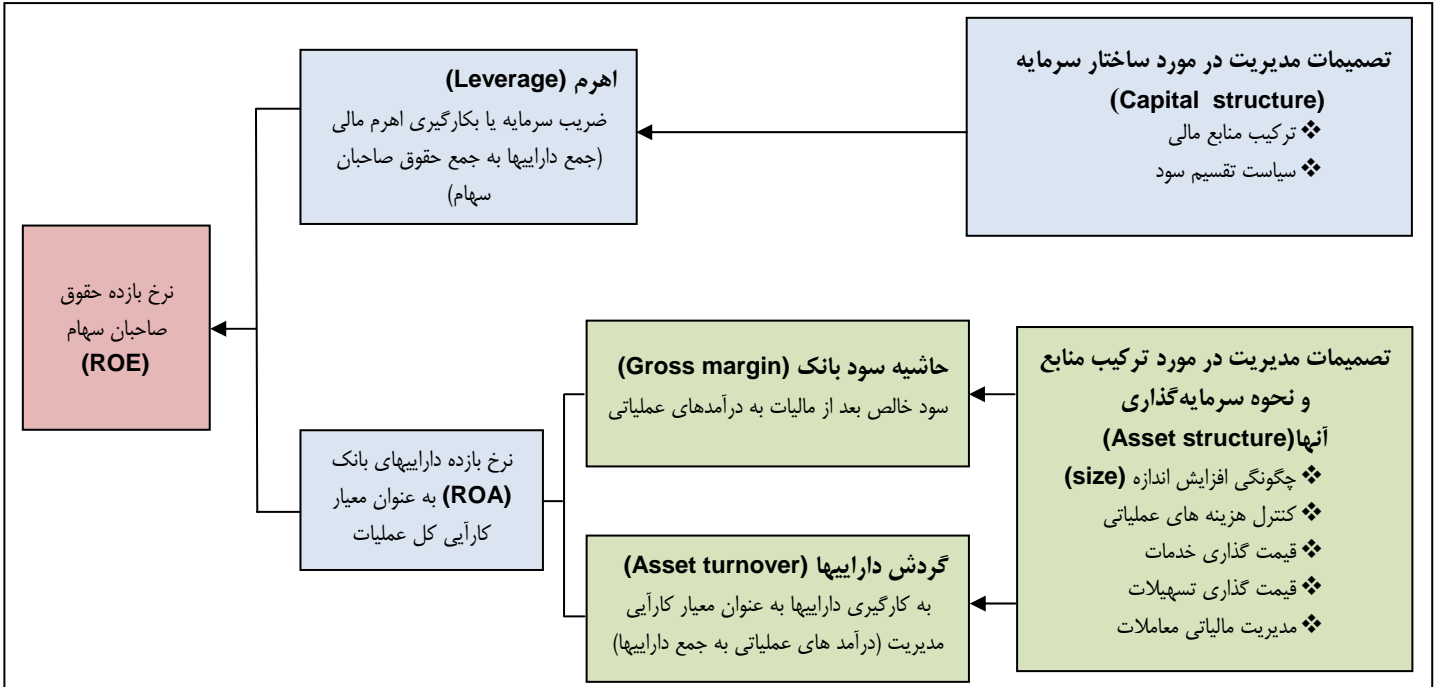
- کنترل هزینه های عملیاتی

- تدوین سیستم های ارزیابی عملکرد شعب و کارکنان

معیار عملکرد؛ بازده حقوق صاحبان سهام

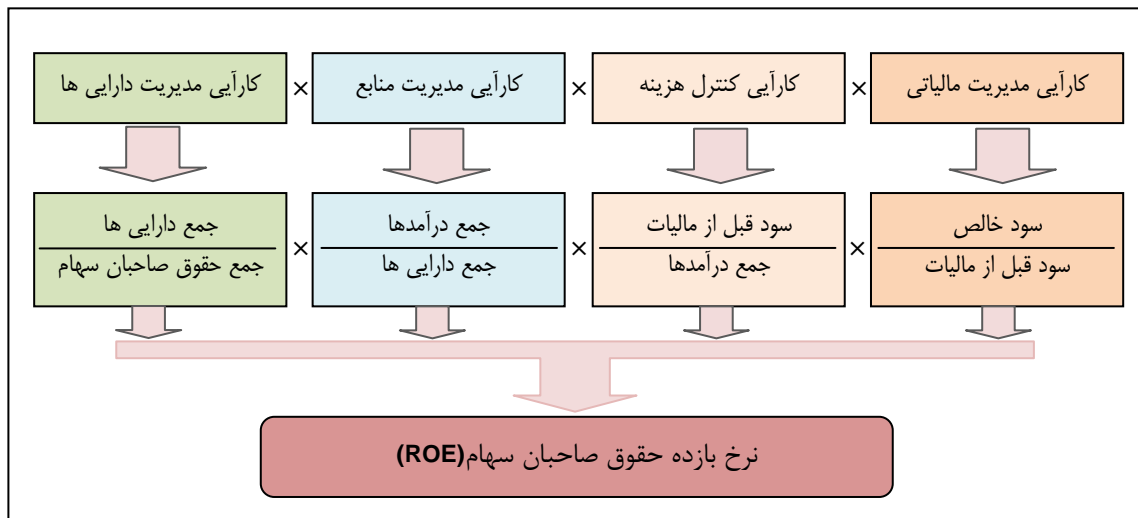
بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) معیار مناسبی برای تحلیل میزان دستیابی به هدف افزایش ارزش بانک می باشد. رابطه بین بازده حقوق صاحبان سهام با تصمیمات بنیادی مدیریت در نمایه ۱ ارائه شده است.

نمایه ۱- بازده حقوق صاحبان سهام و تصمیمات مدیریت



بطور خلاصه می‌توان بازده حقوق صاحبان سهام را در قالب معادله‌ای به شرح نمایه زیر تجزیه کرد.

نمایه ۲- بازده حقوق صاحبان سهام



کارایی ابعاد مختلف مدیریتی در دستیابی به بازدهی مطلوب حقوق صاحبان سهام (ROE) و روشهای بهبود آن ذیلاً به اختصار بررسی شده است.

الف- قیمت‌گذاری سپرده‌ها و تسهیلات (حاشیه سود)

مدیریت قیمت‌گذاری سپرده‌ها و تسهیلات متأثر از موقعیت رقابت و نیز خط‌مشی‌های کلان اقتصادی است. کارآیی در این بخش تا حدود زیادی از کارایی مدیریت پرتفوی و کارآیی مدیریت منابع تأثیر می‌پذیرد. خط‌مشی‌های زیر می‌تواند برای حصول به اهداف بانک موثر باشند.

- مدیریت و کنترل حجم، ترکیب و بازدهی دارایی‌ها و بدهی‌ها (سپرده‌ها)
- تغییر ترکیب سپرده‌ها در جهت افزایش سهم سپرده‌های ارزان قیمت
- مدیریت و هماهنگی در زمانبندی دارایی‌ها (تسهیلات) و بدهی‌ها (سپرده‌ها) برای کمک به حاشیه سود (Spread) و تعدیل زمان توقف منابع
- بررسی و انتخاب سایر راهکارهای تامین منابع مالی نظیر صدور اوراق مشارکت و گواهی

سپرده (CD)

ب- اثربخشی مدیریت هزینه‌ها

خط‌مشی‌های مرتبط با اثربخشی مدیریت هزینه‌ها به شرح زیر است.

- تدوین خط‌مشی‌های کلی مدیریت و کنترل هزینه‌ها
- تدوین بودجه برای ادارات و شعب و استفاده از روشهای کنترل بودجه‌ای
- مهندسی مجدد فرآیندها و استفاده بهینه از اتوماسیون (نظام‌دهی جامع فرآیندها)
- افزایش کیفیت از طریق استقرار مدل تعالی سازمانی از جمله EFQM یا سری ایزو ۹۰۰۰

ج- خط‌مشی قیمت‌گذاری و توسعه خدمات

- ارائه خدمات جدید بانکی با قیمت‌های رقابتی
- قیمت‌گذاری برای تمام خدمات مشتری و بر مبنای هزینه نهایی
- گسترش خدمات اعتبارات اسنادی و صدور ضمانتنامه

د- کارآیی مدیریت پرتفوی دارایی‌ها

کارآیی مدیریت پرتفوی دارایی‌ها متأثر از عوامل زیر است.

- تدوین خط‌مشی سرمایه‌گذاری برای تخصیص دارایی‌ها با توجه به ریسک و بازدهی
- تعیین ترکیب پرتفوی تسهیلات بانک (بر حسب نوع، سررسید، اندازه و کیفیت وام)
- تدوین خط‌مشی‌های سرمایه‌گذاری در شرکتهای تابعه و وابسته
- توجه به ظرفیت وام‌دهی از طریق اعطای تسهیلاتی که ضریب ریسک کمتری دارد

ه- کارآیی مدیریت منابع

افزایش تدریجی اندازه بانک ایجاب می‌کند که حقوق صاحبان سهام نیز متناسب با آن افزایش یابد. خط مشی‌های لازم جهت افزایش کارآیی مدیریت منابع به شرح زیر است.

– بهینه‌سازی ترکیب سپرده‌ها بویژه جذب سپرده‌های ارزان قیمت و سایر سپرده‌ها
– استفاده بهینه از افزایش سرمایه به منظور حفظ حد متعادل ضریب کفایت سرمایه و نیز رشد بانک

– تدوین سیاست تقسیم سود با توجه به ملاحظات افزایش سرمایه و سیاست رشد
– ایجاد واحدهای خاص (SPV یا SPE)^۳ به منظور حداکثر استفاده از تأمین مالی خارج از ترازنامه

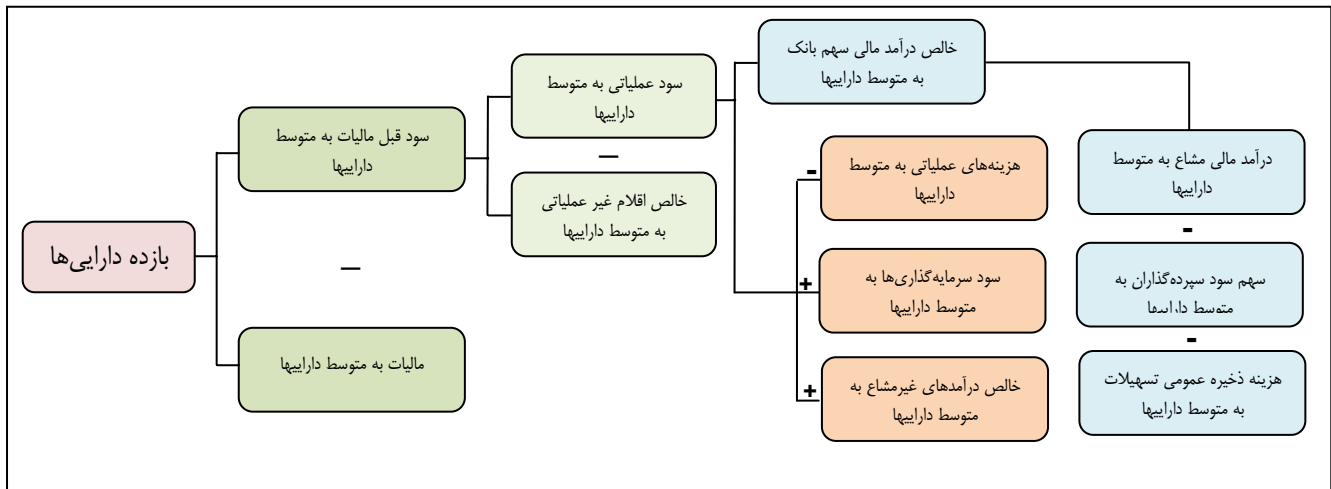
و- کارآیی مدیریت مالیاتی

ابعاد مدیریت مالیاتی نیز بر سودآوری بانک تأثیر دارد. بهبود کارآیی مدیریت مالیاتی از طریق حداکثر استفاده ممکن از مزایای مالیاتی در ترکیب درآمدها و هزینه‌ها باعث افزایش بازده حقوق صاحبان سهام می‌شود. با توجه به افزایش درآمدهای معاف، نسبت سود خالص به سود قبل از مالیات به عنوان معیار کارآیی مدیریت مالیاتی روند صعودی خواهد داشت.

معیار مدیریت دارایی‌ها؛ بازده دارایی‌ها

بازده دارایی‌ها بیانگر نحوه مدیریت منابعی می‌باشد که در اختیار بانک قرار دارد. اجزای تشکیل دهنده بازده دارایی‌ها در نمایه ۳ ارائه شده است.

نمایه ۳- بازده دارایی‌ها



^۳ Special Purpose Entity or Vehicle

تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر

بانکها محصولات و خدمات متفاوتی ارائه می‌کنند. مهمترین این محصولات و خدمات که بخش عمده فعالیت‌های هر بانکی را به خود اختصاص داده است، سپرده‌گیری و اعطای تسهیلات است. چنانچه بانک صرفاً سپرده اخذ نماید و با رعایت الزامات قانونی آن را به اعطای تسهیلات، خرید اوراق مشارکت، تامین سپرده قانونی، سپرده گذاری نزد سایر بانکها و موجودی نقد احتیاطی و معاملاتی اختصاص دهد، نقطه سر به سر آن به شرح نمایه ۴ می‌باشد. تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر در یک فرآیند برنامه‌ریزی نشان می‌دهد که در چه سطحی از فعالیت، هزینه‌های بانک پوشش داده می‌شود و امکان بقای آن وجود دارد. چنانچه فرض شود عامل اصلی تعیین کننده حجم فعالیت بانک، حجم سپرده‌های آن می‌باشد و چون نوسان مبلغ سپرده‌ها باعث نوسان سود سپرده‌ها می‌شود، لذا می‌بایست کل سود سپرده بعنوان هزینه متغیر و بقیه هزینه‌ها، ثابت در نظر گرفته شوند. بدیهی است در مواردیکه بانک درآمدهای دیگری نظیر انواع کارمزدها و درآمد سرمایه‌گذاری داشته باشد، امکان دستیابی به نقطه سر به سر در سطوح پایین‌تر فعالیت وجود دارد. البته در صورت بااهمیت بودن سهم سایر درآمدها نسبت به فعالیت‌های محوری بانکداری فوق‌الذکر (سپرده‌گیری و اعطای تسهیلات) از مدل‌های چند محصولی نقطه سر به سر می‌بایست استفاده نمود.

نمایه ۴- تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر

مقدار	شرح
(۱)	مبلغ هزینه های کارکنان
(۲)	مبلغ هزینه های اداری و عمومی
(۳)	مبلغ هزینه استهلاک
$(a) = (1) + (2) + (3)$	جمع مبلغ هزینه های ثابت
(۴)	میانگین موزون نرخ موثر سود سپرده‌های اصلی ریالی - درصد
(۵)	میانگین موزون نرخ بازدهی دارایی‌های درآمدزا - درصد
$(b) = 1 - ((4)/(5))$	نسبت حاشیه سود (CM) - درصد
$(c) = (5) - (4)$	حاشیه سود (Spread) - درصد
(۶)	مبلغ درآمد دارایی‌های درآمدزا طبق برنامه
$(d) = ((a)/(b))$	مبلغ درآمد دارایی‌های درآمدزا در نقطه سر به سر
$(e) = ((d)/(6))$	درصد درآمد دارایی‌های درآمدزا در نقطه سر به سر نسبت به برنامه
(۷)	جمع مبلغ دارایی‌های درآمدزا طبق برنامه
$(f) = ((d)/(5))$	جمع مبلغ دارایی‌های درآمدزا در نقطه سر به سر
$(g) = ((f)/(7))$	درصد جمع دارایی‌های درآمدزا در نقطه سر به سر نسبت به برنامه

نرخ سر به سری بازدهی دارایی‌ها

رویکرد اصلی در تعیین نرخ سر به سری، هزینه متوسط تاریخی (Historical Average Cost) می‌باشد. در این روش بر مبنای سهم نسبی هر یک از منابع مالی (به‌غیر از حقوق صاحبان سهام) و هزینه هر منبع، نرخ میانگین موزون هزینه مالی محاسبه می‌شود. با توجه به این که برای جذب و اداره سپرده‌ها، بانک متحمل هزینه‌های عمومی و سر بار می‌شود، لازم است این هزینه‌ها نیز در محاسبه نرخ لحاظ شود.

$$\text{نرخ سر به سری بازدهی دارایی‌های درآمدزا} = \frac{\text{هزینه‌های عملیاتی} + \text{سود سپرده‌ها}}{\text{دارایی‌های درآمدزا}}$$

دارایی‌های درآمدزا در بانک شامل تسهیلات اعطایی، سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت، سپرده‌های بانکی و سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌های بورسی و غیربورسی است. از آنجایی که سپرده‌ها عمدتاً صرف اعطای تسهیلات می‌شود، لذا نرخ سر به سری با دو تعریف از دارایی‌های درآمدزا قابل محاسبه است.

نرخ سر به سری حداقل بازدهی لازم برای پوشش هزینه‌ها است. اما تکلیف سهامداران بانک چه می‌شود؟ بخشی از منابع بانک از طریق سرمایه تأمین شده است. لذا بانک باید بازدهی معقولی نیز برای سهامداران ایجاد کند. در این صورت خواهیم داشت:

$$\text{حداقل نرخ بازده سرمایه‌گذاری} = \text{نرخ سر به سری} \times \left(\frac{\text{نرخ بازده مورد انتظار سهامداران}}{\text{نرخ مالیات} - 1} \times \frac{\text{حقوق صاحبان سهام}}{\text{جمع دارایی‌های درآمدزا}} \right)$$

روش دیگر این است که مبلغ سود مورد انتظار را به رقم صورت کسر فرمول نرخ سر به سری اضافه کنیم. نرخ سر به سری تسهیلات در نمایه ۵ ارایه شده است. روشن است در صورتی که بانک، بخشی از هزینه‌های خود را از محل کارمزد (غیر از تسهیلات) و سایر درآمدها پوشش دهد، نرخ سر به سری کاهش خواهد یافت. روند نزولی نرخ سر به سری در طول یک برنامه، به بانک امکان می‌دهد نرخ سود تسهیلات را کاهش دهد.

نمایه ۵- تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر تسهیلات

مقدار	شرح
(۱)	مبلغ سود سپرده‌ها (قطعی)
(۲)	مبلغ سایر هزینه‌ها
$(a) = (۱) + (۲)$	جمع مبلغ کل هزینه‌ها
(۳)	میانگین موزون مبلغ دارایی‌های درآمدزا
(۴)	میانگین موزون مبلغ تسهیلات
(۵)	کل مبلغ درآمد تسهیلاتی
(۶)	مبلغ درآمدهای غیر تسهیلاتی
$(b) = ((a) / (۳))$	درصد کل هزینه‌ها به کل دارایی‌های درآمدزا (معادل نرخ بازده سر به سر دارایی‌های درآمدزا)
$(c) = ((a) / (۴))$	درصد کل هزینه‌ها به کل تسهیلات (معادل نرخ بازده سر به سر تسهیلات)
$(d) = ((a) - (۶)) / (۴)$	درصد کل هزینه‌ها به کسر درآمدهای غیر تسهیلاتی به تسهیلات
نرخ سر به سری (بازدهی n درصدی سهامداران)	
(۷)	مبلغ سود مورد توقع سهامداران پس از کسر مالیات (براساس n درصد بازدهی)
$(e) = ((a) / ((۳) + (۷)))$	حداقل نرخ بازده دارایی‌های درآمدزا برای تامین بازده مورد توقع سهامداران
$(f) = ((a) / ((۴) + (۷)))$	حداقل نرخ تسهیلات برای تامین بازده مورد توقع سهامداران
$(g) = ((((a) + (۷)) - (۶)) / (۴))$	درصد کل هزینه‌ها به کسر درآمدهای غیر تسهیلاتی به تسهیلات

حداقل نرخ سر به سری نیز مبنای مناسبی برای تعیین نرخ بازدهی مورد انتظار دارایی‌ها و سیاست تخصیص منابع می‌باشد.

عوامل ریسک

ریسک‌های اصلی در مورد بانکها شامل ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک نرخ سود مالی و ریسک توانایی پرداخت می‌باشد. برای بررسی هر یک از ریسک‌های فوق، در نمایه ۶ شاخص‌ها و نسبت‌های کمی مربوط ارائه شده است، البته برای مقایسه و نتیجه‌گیری به معیارهای مشخصی نظیر متوسط صنعت نیاز داریم.

مدیریت ریسک

مدیریت ریسک در بانکها اهمیت زیادی دارد و مقررات نظارتی به خصوص مقررات بانک مرکزی و رهنمودهای باسل باید مورد توجه خاص قرار گیرد. برخی از ابعاد ریسک بانکها در زیر ارائه شده است.

نمایه ۶- شاخص‌ها و نسبت‌های کمی انواع ریسک در بانک‌ها

ریسک اعتباری	ریسک نقدینگی	ریسک نرخ سود مالی	ریسک توانایی پرداخت
<ul style="list-style-type: none"> ✓ مطالبات سررسید گذشته به کل تسهیلات ✓ مطالبات سوخت شده به کل تسهیلات ✓ ذخیره مطالبات به کل تسهیلات ✓ ذخیره مطالبات به حقوق صاحبان سهام ✓ اندوخته احتیاطی به کل تسهیلات ✓ اندوخته احتیاطی به حقوق صاحبان سهام ✓ تسهیلات به سپرده‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ اوراق مشارکت به جمع داراییها ✓ موجودی نقد و سپرده نزد بانکها به جمع داراییها ✓ سرمایه‌گذاری کوتاه مدت به جمع داراییها ✓ تسهیلات به جمع داراییها ✓ اوراق مشارکت، نقد و سپرده‌ها به جمع سپرده‌ها ✓ اوراق مشارکت، نقد و سپرده‌ها به جمع سپرده‌های دیداری و کوتاه‌مدت 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ تسهیلات به سپرده‌های سرمایه‌گذاری ✓ اوراق قرضه به سپرده‌های سرمایه‌گذاری ✓ سپرده‌های نزد بانکها به سپرده‌های سرمایه‌گذاری ✓ سپرده‌های کوتاه مدت به سپرده‌های سرمایه‌گذاری ✓ سپرده‌های کوتاه مدت به کل سپرده‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ شکاف نرخ سپرده کوتاه مدت عادی بانک در مقایسه با سایر بانکها ✓ شکاف نرخ سپرده بلندمدت پنجساله بانک در مقایسه با سایر بانکها ✓ شکاف نرخ سود سپرده‌های مدت دار بانک با اوراق قرضه دولتی ✓ نسبت حقوق صاحبان سهام به جمع داراییها ✓ نسبت اوراق مشارکت به سپرده‌ها ✓ نسبت کفایت سرمایه

الف - ریسک اعتباری

عدم بازپرداخت بدهی توسط دریافت کنندگان تسهیلات در موعد سررسید، اساس ریسک اعتباری را تشکیل می‌دهد. ریسک اعتباری را می‌توان احتمال تعویق، مشکوک الوصول یا لاوصول شدن بخشی از پرتفوی اعتباری نهاد پولی به دلیل عوامل داخلی (نظیر ضعف مدیریت اعتباری، کنترل‌های داخلی، پیگیری و نظارت) یا عوامل خارجی (مثل رکود اقتصادی، بحران و ...) تعریف نمود. نحوه تخصیص منابع بین فعالیتهای مختلف، ارزیابی سطح اعتباری مشتریان و اخذ تضمینات کافی در کنترل این ریسک مؤثر می‌باشند.

با توجه به این که تسهیلات عموماً به عنوان ریسکی‌ترین دارایی بانکها در نظر گرفته می‌شود، نسبت تسهیلات به سپرده‌ها نیز ارائه شده است، هر چند که این نسبت می‌تواند تا حدود زیادی متأثر از رعایت الزامات قانونی در خصوص تخصیص دارایی‌ها باشد.

ب- ریسک نقدینگی

در مورد بانکها ریسک نقدینگی به دلیل کمبود و عدم اطمینان در میزان نقدینگی بانک ایجاد می‌شود. کفایت موجودی نقد باعث می‌شود امکان پرداخت تعهدات و نیازهای نقدینگی سپرده‌گذاران در زمان مناسب تامین گردد. معیارهای ارائه شده برای این نوع ریسک می‌تواند نقش موثری در کنترل و مدیریت آن داشته باشد.

ج- ریسک نرخ سود مالی

تاثیر نوسان نرخ سود بر عملکرد بانک غیر قابل انکار است. بررسی نسبت تسهیلات به سپرده‌های سرمایه‌گذاری که بیانگر دارایی‌ها و بدهی‌های حساس به نرخ سود است، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. همچنین هر قدر سهم سپرده‌های کوتاه مدت از کل سپرده‌های سرمایه‌گذاری بیشتر باشد، بانک از انعطاف مناسب‌تری در مقابل تغییر نرخ سود برخوردار خواهد بود.

د- ریسک توانایی پرداخت

شکاف مثبت نرخ سپرده‌های یک بانک نسبت به سایر بانکها می‌تواند به عنوان یک ریسک تعبیر شود، هرچند از سوی دیگر نشان‌دهنده خط مشی جذب سپرده است. نسبت حقوق صاحبان سهام به جمع دارایی و نسبت کفایت سرمایه نیز می‌تواند نشان‌دهنده ریسک بانک برای سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران باشد.